

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الطاهرين الأئمة
الذين هم أئمة المرسلين
والذين هم أئمة المرسلين
والذين هم أئمة المرسلين
والذين هم أئمة المرسلين

بی چشم داشت (خاطراتی از رزمندگان)
جواد عابدی



www.ketab.ir

سرشناسه: عابدی، جواد، ۱۳۵۱-

عنوان و نام پدیدآور: بی چشم داشت: (خاطراتی از رزمندگان)/ جواد عابدی.

مشخصات نشر: آمل: آرتینه، ۱۳۹۶.

موضوعات ظاهری: ۲۲۰ ص.

شاب: ۸-۸-۸۸۹۷-۰۰۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷. خاطرات

موضوع: Personal narratives ۱۹۸۸ - ۱۹۸۰, Iran - Iraq war

رده بندی کنگ: ۳۹۰ ب۹/ع۲/۱۶۲۸ DSR

رده بندی دیویی: ۴۳۰/۰۹۵۵/۰

شماره کتاب شناسی مان: ۴۹۲/۳۳۷



بی چشم داشت (خاطراتی از رزمندگان)

نویسنده: جواد عابدی

ویراستار: اکرم امیرکلایی

صفحه آرا: آزاده قاسم تبار

طراح جلد: آرش جهانی

تایپیست: کوثر عابدی

چاپ اول: ۱۳۹۶

چاپ و صحافی: کوفه

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

عنوان	صفحه
۱. جا مانده از کاروان هشت	۱۱
۲. همراهان خاموش پُر حرف	۴۱
۳. هدیه‌ی الهی	۶۳
۴. دور را	۷۱
۵. رهایی	۷۵
۵. تخلف یا تعاد (لباس ۵۱)	۸۷

سخن آغازین:

به بسم الله الرحمن الرحيم است گرت فتحی ز فتاح علیم است

حدیث حضرت ختمی مآب است که بسم الله کلید هر کتاب است

(حضرت علامه حسن زاده‌ی املی)

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ
دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (سوره‌ی مبارکه‌ی توبه، آیه‌ی ۲۰)

«آنها که ایمان آوردند، و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا
جهد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است و آنها پیروز و رستگارند.»

سپاس بر ستایید بر آفریدگار بی‌همتا! آفریننده‌ای که خود هنرمندی
چیره‌دست است و خاکی که روح ملکوتی خود را در کالبد خاکی ما دمید و ما
را اشرف مخلوقات کرد.

سپاس بر نقش‌بندی که بر دیوار توفیق داد تا یادی کنیم از نقش‌بندان
بی‌ادعایی که گل‌واژه «هشت سال دفاع مقدس» را به زیبایی رقم زدند و
نقش‌آفرینی کردند و برگ‌های زرین دیگری بر کتاب حماسه‌های مقاومت و
ایثار ایران عزیز در طول تاریخ افزودند.

سخن گفتن و نوشتن از مردان مردی که ایستادند تا آیندگان
بایستند؛ مردانی که همگان ایستاده به آنان ادای احترام می‌کنند، بسیار
سخت و دشوار است؛ اما با استعانت از خداوند بزرگ و نگاه پادشاه‌ای ایران
عزیز، بر آن شدیم تا چند خاطره از یادگاران هشت سال دفاع مقدس را
علاقه‌مندان به یادگار بگذاریم؛ آنانی که خاکی بودند و خاکی برگشتند و خاکی
ماندند. آنانی که بی‌هیچ چشم‌داشت، گران‌بهارترین دارایی و سرمایه خود را در
طبق اخلاص قرار دادند و نثار همه ما کردند.

می‌خواهیم، با نوشتن این اثر بگوییم که ما «نمک‌شناس» نیستیم و تا ابد
و تا ایران و ایرانی هست، نام این عزیزان بر تارک افتخارات ایران می‌درخشد.

این کتاب شامل چند خاطره از رزمندگان هشت سال دفاع مقدس و حماسه‌های رزمندگان اسلام در دهه ۶۰ می‌باشد که راویان، خاطره خود را مستقیماً بیان داشته‌اند و در واقعیت خاطره دخل و تصرفی صورت نگرفته است. آخرین خاطره از این کتاب، خاطره‌ای است که رگه‌های کوچکی از داستان در آن دیده می‌شود اما مانند داستان و داستان‌نویسی نیست و در آن خلاقیت و صحنه‌سازی وجود ندارد.

شاید یکی از بارزترین ویژگی‌های این کتاب نثر ساده آن باشد که آن هم نثرات گرفته از این است که خاطرات از خود عزیزان گرفته شده است و برای آن که خاطره را طرف خوانندگان عزیز جذاب باشد، تقریباً با همان زبان شیرین و روان به رشته تحریر در آمده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های شاخص این کتاب، این است که در آن برخلاف خاطره‌نویسی که از ادبیات ادبی چندانی استفاده نمی‌شود، از کنایات و برخی آرایه‌های ادبی به درستی بهره گرفته شده است تا خاطرات لطیف‌تر و ملموس‌تر باشند. به همین دلیل خواننده را وادار می‌دارد تا آخر خاطره آن را بخواند و از آن لذت ببرد و جویای آن باشد که پایان آن به کجا ختم می‌شود.

محور این کتاب خاطره‌های بلند و درخشان نالیه‌ها است که به علاقه‌مندان تقدیم می‌شود و به نمایندگی، از نوجوان رزمنده و رشیدهای حکایت دارد که برای حضور در جبهه با ظاهری متفاوت، نمایان می‌شدند و به جای این که با آن سن کم در کنار پدر و مادر خود و یا در کوچه و بازار مسئول بازی و یا تحصیل باشند، به جبهه‌ها می‌رفتند و شبانه‌روز در گل و لای و در سنگرها بوده و سختی‌ها و مشقتها را تحمل می‌کردند.

اما برای زینت‌بخشی به این اثر و نگارش آن از تعداد معدودی رزمنده دعوت شده است که خاطراتی از دوران دفاع مقدس را که برایشان اتفاق افتاده است، بیان کنند تا برای آیندگان به یادگار بماند. این عزیزان نیز با آغوش

باز این دعوت را پذیرفتند. خاطره‌ها به رسم ادب، به ترتیب پیشکسوت‌ترین رزمنده به رشته تحریر در آمده است.

در اینجا بر خود واجب می‌دانم از همه‌ی عزیزان از جمله، سرداران و یادگاران هشت سال دفاع مقدس و خانواده‌های محترمشان، از جناب قلیچ و همکاران گرامیشان در نشر «آرتینه» و خانواده‌ی عزیزم، دوستان خوبم و همه‌ی کسانی که باعث نگارش این اثر شدند، به ویژه آقای حاج میثم بابایی، کارشناس، مسئول تعلیم و تربیت بسیج سپاه امل، جناب سرهنگ مجتبی نورمفیدی، فرماندهی محترم نیروی انتظامی شهر دابودشت و جناب کربلایی علی قنبری- که تلاش بی‌شائبه‌ای در جهت تاطبق میل درونی‌ام، این اثر ارزشی فقط و فقط از لحاظ معنوی «زیربانی و پیرساز» یکی از نهادهای ارزشی قرار بگیرد که متأسفانه انجام نشد و بنده شرمندی‌های زحماتشان و دیگر دوستان شدم- خاضعانه و خالصانه تقدیر و سپاس‌گزاری کنم.

باشد که همه‌ی ما قدردان انسانی‌های ناب انسانی و انسان‌های وارسته‌ای باشیم که بدون هیچ چشم‌داشتی، جان خود را برای آسایش دو گیتی ما عاشقانه تقدیم کردند.

الحمد لله!

جان - بابایی

خرداد ماه ۱۴۰۱